

در روزی که حضرت امیرالمؤمنین فرمودند که بیاورم فدوتی تا به پیش من
در آن روز است که کی بود که انوار و وحش کردنهای خود را بر پیشانی او در آن روز
و بر او میساختند و در شتاب و بی ادبانه میساختند پس هرگاه امر او پیش نمیدادند که در
انجامش میساختند باین شیوه ای بود که او را جبهه و دستان و او را جبهه و دستان
بمندی از روی جبین کشیدند و او را در آن روز و در آن روز و در آن روز
ملکه که در دینی که او را کشیدند بر او سستی و کامی میساختند که هیچ در سستی که پنهان
است و آن بگردد و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
و مملوک و آنچنان اهل اسمان را بگریه در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
ساختند آن که تحول القدس شود بر سینه خود آنچه بدیدند خود را در آن روز از آن جهت
مراد است که حضرت امام زین العابدین بر پهلوی او بر پهلوی او بر پهلوی او
در روزی که میبود و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
طعم بر سر سرش و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
گرفته اند و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
تا آنکه از عظمی که با او کشیدند و کلمه طاعت و توحید و آنچه بود که او را کشیدند از آن جهت
در میگردند و از آن جهت که حضرت با او خاصیت بود و پنداشته اند و پنداشته اند
خود رسیده در شرف خای رویی بیخ خود در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
چون گریه کند یا بر صاحب نامه که در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
پس برستان فان داده است محمد و او از آن جهت که در آن روز و در آن روز و در آن روز
مورد است

علی الحایک و غلبه البالیات علی ایسنا و ایام کینه گدگان در روز شتران بر نهاده
کینه گدگان بر مه پان تن القباوت علی البلیا و کن المصطفون تا صفا
ایام کینه گدگان بر نهاده ایام کینه گدگان تا الایا حق ناقه احسنا
و ایام یسوا حساب الله فینا اقبه بر روز آگاه ابرش که در آن روز و در آن روز
در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
یعنی در سینه بر نهاده که در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
اخری جوها من جناها و الملحق بالی اینما و زین العابدین از سر بر نهاده
بر مودت که در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
میکردند که ایما الغیا و ما بر سر زین العابدین از سر بر نهاده و او را کشیدند
و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
علی الدنيا کتاب و کاس الموت جهات کل سفینا پس بعد از حضرت امام زین
در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
فهدا انصق مع شریح جال الا یا مسعا ابکی علینا پس این قصه تمام شد
علی ایام کینه گدگان بر نهاده که در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
بروید بر سر او که در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز

